

## عنوان مقاله:

شر و بازنمایی آن در هستی شناسی ناصر خسرو

## محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 20، شماره 77 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

## نویسندگان:

محمد علی خزانه دارلو - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

مئده ملکی کلوزری - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

## خلاصه مقاله:

دسته‌بندی امور به خیر و شر، به قدمت آفرینش انسان است و این نحوه مواجهه انسان‌هاست که خیر و یا شر بودن پدیده‌ها را تعیین می‌کند. شر، طیف وسیعی از مفاهیم را دربر می‌گیرد و یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین مفاهیم آن شر سیاسی است که از مهم‌ترین شاخص‌های آن، دوگانه دوست-دشمن و دغدغه کسب قدرت است. مذهب، با هدف ماندگاری و برای دفاع از مشروعیت خود، کارکرد دفاعی کلام را هم‌سو با مقاصد سیاسی به کار می‌گیرد؛ در نتیجه، مذاهب و مرام‌ها در تقابل با یکدیگر تعریف می‌شوند. شر نامیده می‌شوند و اقدام به نابودی دیگری می‌کنند. اسماعیلیه از مسیر کلام اسماعیلی و در تقابل و دشمنی با حکومت عباسی، عباسیان و پیروان آن‌ها را به انواع شرور منسوب و به عنوان حکومت ظلم و جور و مصادیق بارز شر معرفی می‌نمایند. ناصر خسرو به عنوان یک متفکر رده بالای اسماعیلی، با بهره‌گیری از ساختار تفکر اسماعیلیه، ضمن بیان چستی شر و دسته‌بندی و بیان انواع آن، دوری از شر و نابودی دشمن را (که عامل اصلی شقاوت انسان است) لازم می‌داند. در این مقاله بر آنیم که با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر نظریه «تخاصم» کارل اشمیت، بحث شر و دشمنی را در نظام فکری ناصر خسرو تحلیل کنیم.

## کلمات کلیدی:

شر، کلام سیاسی، تخاصم، اسماعیلیه، ناصر خسرو

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2045216>

